

دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم: از تجارب جهانی تا الگوی بومی

محمدرضا کوهمکن^۱حسن بشیر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۸

چکیده

امروزه دیپلماسی علمی جایگاه مهمی بین کشورهای جهان پیدا کرده و مخصوصاً کشورهای مدعی رهبری جهانی به صورت فزاینده از ظرفیت آن در جهت افزایش قدرت نرم و افزایش نفوذ خود در جوامع هدف استفاده می کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز کمابیش به این مسئله اهتمام داشته است، اما با توجه به فقدان یک الگوی جامع و مؤثر برای دیپلماسی علمی ایران در این پژوهش تلاش شده است با روش تحلیلی-توصیفی تجارب و دستاوردهای نظری و عملی جهانی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و گامی کوچک و ابتدایی در راستای حرکت به سمت الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی برداشته شود. این پژوهش ضمن بررسی تعاریف موجود دیپلماسی علمی، به رویکردها، حوزه ها و ابعاد آن می پردازد و تجربه عملی کشورهای منتخب را در دیپلماسی علمی بیان می کند. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی «در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می انجامد؟» با بهره گیری از تجارب جهانی و مبانی و اصول اسلامی-ایرانی می توان شش بعد را برای این الگو برشمرد و آن را از این حیث بررسی کرد: هدف، رویکرد، محتوا، ابزار، مخاطب و کنشگر. این شش بعد به ابعاد و حوزه های مختلف دیپلماسی علمی قابل تسری است. الگوی مطلوب دیپلماسی علمی و ابعاد شش گانه آن را می توان به صورت یک منظومه ترسیم کرد. منظومه ای که هدف نهایی آن اقامه قسط و تزکیه مسلمانان و مردم جهان از طریق تحقق تمدن نوین اسلامی و سلطه حق بوده و سایر اجزای آن در ذیل این هدف کلی قرار می گیرند و عمل می کنند.

واژه های کلیدی: دیپلماسی علمی، دیپلماسی علم و فناوری، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، نخبگان

۱. دانشجوی دکتری، فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Koohkan@isu.ac.ir

۲. استاد گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران bashir@isu.ac.ir
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱- مقدمه

امروزه همکاری‌های علمی و آموزشی بین‌المللی جایگاه مهمی بین کشورهای جهان پیدا کرده به طوری که آموزش را «بعد چهارم سیاست خارجی» دانسته‌اند (محسنی سہی و محسنی سہی، ۱۳۹۴: ۹۸). «دیپلماسی علمی» هم از منظر اقتصادی موجب رشد کشورها می‌شود، هم از منظر فرهنگی به عنوان منبعی مهم برای افزایش «قدرت نرم» و اشاعه ارزش‌ها و اصول فرهنگی کشورها تلقی می‌گردد، تصویر ملی آنان در جامعه بین‌المللی را اصلاح می‌کند و زمینه اعمال نفوذ و تغییر را در بین جوامع فراهم می‌آورد. دیپلماسی علمی در مواردی که روابط کشورها از لحاظ سیاسی در سطح مطلوبی نیست می‌تواند روزه امید را برای ارتقای آن ایجاد کند و منجر به بهبود روابط شود.

امروزه کشورهای مختلفی به صورت فزاینده از ظرفیت‌های دیپلماسی علمی در جهت افزایش قدرت نرم خود و ایجاد تغییرات مدنظر در جوامع هدف استفاده می‌کنند و در این عرصه سرمایه‌گذاری می‌نمایند. به تعبیری می‌توان گفت هر کشوری که می‌خواهد در عرصه جهانی و دیپلماسی عمومی حرفی برای گفتن داشته باشد، باید نسبت خود با دیپلماسی علمی را مشخص کند. آن‌ها می‌خواهند از طریق قالب‌های متنوعی دیپلماسی علمی با قشر نخبه و تحصیل کرده جوامع ارتباط برقرار کنند، به تعبیر کالین پاول^۱، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا «با رهبران آینده جهان دوست شوند» و سطح اثرگذاری و نفوذ خود را گسترش دهند. آن‌ها از این جهت «تعامل علمی و آموزشی» را برمی‌گزینند که با تکیه بر فکر و ذهن انسان‌ها تولید قدرت نرم می‌کند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: ب: ۶۷) و از این جهت «نخبگان کشورهای دیگر» را مخاطب قرار می‌دهند که آن‌ها مهم‌ترین هدف در دیپلماسی عمومی هستند که تشنه «دانش و اطلاعات» اند. لذا برنامه‌های مبادله‌های علمی دانشگاهی و فرهنگی-هنری این قشر را هدف قرار می‌دهد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴). این نخبگان «به عنوان مهم‌ترین قشر مؤثر در ساخت آینده یک کشور، تأثیر به سزایی در تفاهم و همسویی فرهنگی میان ملت‌ها خواهند گذاشت» (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: الف).

کارن هوگز^۲، معاون اسبق وزیر امور خارجه آمریکا در حوزه دیپلماسی عمومی و امور عمومی، بر این باور است که برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی آمریکا «رکن بنیادی دیپلماسی



1. Colin Powell
2. Karen Hughes



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

عمومی ایالات متحده» هستند (اسنو و تیلور^۱، ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۷۷). آلتباچ و پترسون^۲ نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «آموزش عالی به مثابه پروژه قدرت نرم آمریکا» تصریح می‌کنند «بی شک آن‌هایی که در خارج کشور خود تحصیل کرده‌اند، تحت تأثیر و نفوذ محل اقامت خود در خارج قرار گرفته‌اند. در حالی که علم به طور حتم جهانی و عمومی است، اما رویکردها نسبت به برنامه‌های تحصیلی، روش‌شناسی و انتشارات برای هر کشوری متفاوت است. دانشجویان بین‌المللی که در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند، رویکرد آمریکایی به علوم و تحقیقات را فرامی‌گیرند و از روش‌های آمریکایی استفاده و اغلب بر داده‌ها و مسائل آمریکا تمرکز می‌کنند. تمام این جنبه‌های آموزشی، چشم‌انداز مادام‌العمری را نسبت به کارهای دانشگاهی فرد شکل می‌دهد. دانشجویان نیز فرهنگ‌های آکادمیک جایی را که در آن تحصیل می‌کنند تجربه می‌کنند» (ياسوشی و مک کانل^۳، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۶).

از طرف دیگر در دیپلماسی علمی تنها موافقان کشور مبدأ هدف نیستند، بلکه مخالفان نیز هدف مهمی قلمداد می‌شوند؛ فلذا شاید بتوان گفت بکار بردن دیپلماسی علمی در کشورهایی که نگرش منفی‌تری به کشور مبدأ دارند مهم‌تر است.

در مجموع این ویژگی‌ها دیپلماسی علمی را در جایگاه ویژه‌ای برای کشورهای جاه‌طلب و مدعی عرصه بین‌المللی قرار داده است. علاوه بر ایالات متحده آمریکا که پیش‌تاز این عرصه است، کشورهایی مانند انگلستان، فرانسه، آلمان، روسیه، استرالیا، چین، ژاپن، ترکیه، عربستان قطر و امارات متحده عربی نیز برای بهره‌برداری از مزایای دیپلماسی علمی، سرمایه‌گذاری زیادی بر روی آن کرده‌اند که در این مقاله به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران نیز به سهم خود هم در اسناد بالادستی و هم در عمل کمابیش به این مسئله اهتمام داشته است که تبیین و نقد و بررسی آن از مجال این نوشتار خارج می‌باشد، اما با توجه به فقدان یک الگوی جامع و مؤثر برای دیپلماسی علمی ایران تلاش شده است در بخش پایانی مقاله با نقد و بررسی تجارب و دستاوردهای نظری و عملی جهانی، گامی کوچک و ابتدایی در راستای حرکت به سمت الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی برداشته شود. لذا

1. Nancy Snow and Philip M. Taylor
2. Philip G. Altbach and Patti McGill Peterson
3. Watenabe Yasushi and David McConnell

سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:

- در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می‌انجامد؟

۲- چهارچوب نظری

۲-۱- قدرت نرم^۱

اگرچه قدرت نرم را عمدتاً به اواخر قرن ۲۰ و آثار جوزف نای^۲ نسبت می‌دهند، اما ای.اچ. کار^۳ (۱۹۳۹) مفهوم مشابهی را مطرح کرده است. او قدرت بین‌المللی را شامل سه دسته می‌داند: قدرت نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت مسلط بر افکار و ایده‌ها، که مورد آخر معادل قدرت نرم است (التیامی نیا و تقوایی نیا، ۱۳۹۵: ۱۶۷). همچنین مفاهیم مشابه دیگری نیز قبل از خلق اصطلاح قدرت نرم توسط اندیشمندانی چون میشل فوکو^۴، پیر بوردیو^۵، آنتونیو گرامشی^۶ و استیون لوکس^۷ بیان شده‌اند (فتاحی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴). اما در حال مشهورترین و مؤثرترین چهره در این حوزه جوزف نای است.

نای برای قدرت نرم تعاریف متعددی ارائه داده، از جمله «قدرت جذب، اقناع و شیفتگی» و «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه»، اما در کامل‌ترین آن‌ها قدرت نرم را به «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستورکار، متقاعدسازی و جذب مثبت به‌منظور به دست آوردن نتایج مطلوب» تعریف کرده است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۷). نای برای قدرت نرم سه مؤلفه کلی ذکر می‌کند: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست داخلی و خارجی. او بعداً اقتصاد را هم یکی از منابع قدرت نرم معرفی می‌کند. نای در مقاله‌ای بیان می‌دارد قدرت نرم در مفهوم گسترده مترادف با قدرت غیرنظامی، و در مفهوم محدود



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت پژوهش‌های اسلامی

۷۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

1. Soft Power
2. Joseph Nye
3. E.H. Carr
4. Michel Foucault
5. Pierre Bourdieu
6. Antonio Gramsci
7. Steven Lukes



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

خود شامل قدرت فرهنگی است. (افضلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). در نظریه او دیپلماسی عمومی یکی از ارکان قدرت نرم به شمار می‌رود (درخشه و اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۰).

نای گرچه مستقیماً درباره دیپلماسی علمی صحبت نکرده، اما مصادیقی که ذیل فرهنگ بیان کرده همان مفهوم را می‌رساند. او توسعه روابط پایدار با افراد مهم را سومین بعد دیپلماسی عمومی دانسته که در بلندمدت از طریق ابزارهایی همانند تبادلات آموزشی و اعطای بورس‌های تحصیلی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی و آموزشی به نتیجه خواهد رسید (سجادپور و وحیدی، ۱۳۹۰). نای (۱۳۸۷) در کتاب «قدرت نرم» پس از ذکر منابع سه‌گانه قدرت نرم با ذکر چند مثال به تشریح آن‌ها می‌پردازد. او در خصوص فرهنگ می‌نویسد: «عقیده‌ها و ارزش‌های آمریکا از طریق دانشجویانی که همه‌ساله از دانشگاه‌های آنجا فارغ‌التحصیل می‌شوند و به کشورهایشان باز می‌گردند، صادر می‌شود. همچنین اثری که بر ذهن افرادی که از آسیا برای دوره‌های کارآفرینی به آمریکا می‌آیند گذاشته می‌شود، باعث دسترسی آسان آمریکا به نخبگان در قدرت این کشورها می‌شود» (نای، ۱۳۸۷: ۵۴). او در ادامه به ذکر منابع قدرت نرم آمریکا می‌پردازد که بخشی از آن مستقیماً به مبحث ما مربوط است:

- «از ۱/۶ میلیون دانشجویی که در دانشگاه‌های خارج از کشورشان ثبت‌نام کرده‌اند، ۲۸٪ در ایالات متحده هستند که این میزان در انگلستان ۱۴٪ می‌باشد.
- در سال ۲۰۰۲ بیش از ۸۶ هزار محقق خارجی در مؤسسات آموزشی آمریکا اقامت داشته‌اند.
- معیارهای آموزشی نشان می‌دهد که ایالات متحده...
- بیش از هر کشور دیگری کتاب چاپ می‌کند.
- رتبه اول را در جایزه نوبل فیزیک، شیمی و اقتصاد داراست.
- و اینکه ۴ برابر بیشتر نسبت به رتبه دوم (ژاپن) مقالات علمی و روزنامه‌ای چاپ می‌کند» (نای، ۱۳۸۷: ۸۶).

۲-۲- دیپلماسی عمومی^۱

همان‌گونه که اشاره شد، به عقیده برخی دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای قدرت نرم است

که به شکل‌گیری آن می‌انجامد. ازجمله آن‌ها جوزف نای است که در موارد مختلفی از مقاله قدرت نرم و قدرت هوشمند به دیپلماسی عمومی پرداخته و حتی برای آن مدل‌های زمان‌پایه‌ای نیز ارائه کرده است (شیخ‌الاسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ۵۱). گرچه برخی معتقدند مفهوم دیپلماسی عمومی سابقه طولانی‌تری دارد، اما عمدتاً به‌کارگیری اصطلاح آن را مربوط به سال ۱۹۶۵ می‌دانند؛ زمانی که ادموند گولیون^۱، رئیس اسبق «مرکز ادوارد آر. مورو برای دیپلماسی عمومی^۲» دانشگاه تافت، این اصطلاح را برای اولین بار به‌کار برد (ایزدی، ۱۳۹۰: ۳۸).

طبق تعریف فرهنگ واژگان روابط بین‌الملل وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا «دیپلماسی عمومی به برنامه‌های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آن‌ها اطلاع‌رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت است» (صادقی و اسفندیاری، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲).

دسته دیگری از تعاریف به‌جای هدف قرار دادن تصویرسازی و روابط یک‌طرفه، بر برقراری روابط دوطرفه تأکید دارند. ازجمله آن‌ها می‌توان به تعریف زاهارنا^۳ اشاره کرد: «دیپلماسی عمومی با بنا نهادن روابط، فهم نیازهای سایر کشورها، فرهنگ‌ها و ملت‌ها، انتقال نقطه‌نظرهای ما، تصحیح ادراک‌های غلط، و جستجوی حوزه‌هایی که ما می‌توانیم آرمان مشترک را بیابیم، سروکار دارد» (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

یکی از زیرمجموعه‌های دیپلماسی عمومی، دیپلماسی علمی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۲-۳- دیپلماسی علمی^۴

«دیپلماسی علم»، «دیپلماسی علمی» و «دیپلماسی علم و فناوری»^۵ مفاهیمی هستند که در منابع علمی معادل یکدیگر به‌کاررفته و یکسان در نظر گرفته می‌شوند. «دیپلماسی

1. Edmund Gullion
2. Edward R Murrow Center for Public Diplomacy
3. R.S. Zaharna
4. Science Diplomacy
5. Science and Technology Diplomacy



آموزشی»^۱ نیز مفهوم مشابه و نزدیک آن است که بر اساس نظر برخی خبرگان، می‌توان آن را بخشی از دیپلماسی علمی در نظر گرفت. کاربرد این اصطلاحات مشابه در تعاریف مختلف، در ادامه آورده شده است.

گزارش دیپلماسی علمی برای فرانسه «استفاده و کاربرد همکاری‌های علمی در راستای ایجاد روابط و پل‌هایی میان جوامع بخصوص در حوزه‌هایی که ممکن است مکانیسم دیگری برای تعامل در سطح رسمی وجود نداشته باشد» را مصداق دیپلماسی علم و فناوری دانسته است (Science diplomacy for France, 2013).

گزارش معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری ایران، دیپلماسی علم و فناوری را این‌گونه تعریف کرده است: «توانمندی‌های علمی و فناوری یک کشور و تعاملات آن با دیگر بازیگران بین‌المللی در این حوزه که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز توسعه و تعاملات فناوری شود، دیپلماسی علم و فناوری نامیده می‌شود» (براتی، ۱۳۹۰: ۲۸).

کولائی و عزیزی (۱۳۹۶) دیپلماسی علمی را «استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به منظور رسیدگی و حل و فصل چالش‌های مشترک» دانسته‌اند (کولائی و عزیزی، ۱۳۹۶: ۱۰۴۵). آکادمی جهانی علوم^۲ اشاره می‌کند که دیپلماسی علمی، می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد: «زمانی که دانشمندان برای پروژه‌های چندملیتی درباره علوم فضایی یا فیزیک گرد هم می‌آیند، دولت‌های آن‌ها توافق‌های دیپلماتیکی را برای مدیریت و تأمین مالی این پروژه‌ها تدوین می‌کنند. زمانی هم که روابط سیاسی میان دو کشور تیره یا قطع می‌شود، تلاش‌های مشترک در حوزه پژوهشی، می‌تواند به آن‌ها ابزاری برای ادامه مذاکره و اعتمادسازی بدهد» (کولائی و عزیزی، ۱۳۹۶).

نینا فدوروف^۳، مشاور علمی و فناوری وزیر امور خارجه آمریکا دیپلماسی علمی را «استفاده از تعامل علمی بین ملت‌ها برای رفع مشکلات متداول بشریت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی سازنده و دانش‌بنیان» می‌داند (www.royalsociety.org, 2010).

1. Education Diplomacy
2. The World Academy of Sciences
3. Nina V. Fedoroff

در تعریفی دیگر، امپادزولا^۱ می‌گوید دیپلماسی علمی را به «انجام مذاکرات بین نمایندگان گروه‌ها و ملت‌ها برای کسب و استفاده کاربردی از دانش یا اطلاعات» تعریف می‌کند. در تعریفی دیگر از ادواردز^۲ بر نقش علم و فناوری برای پیشبرد سیاست خارجی بدین گونه تأکید شده است: «دیپلماسی علم و فناوری یعنی استفاده از همکاری‌های علمی، تعاملات و ارتباطات به‌عنوان ابزاری در جهت ایجاد روابط بین‌المللی سازنده و شامل اقداماتی از قبیل تبادلات دانشگاهی میان کشورها، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و... باشد» (صنیع اجلال، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

لشنر^۳ در تعریف خود دیپلماسی را عامل دستیابی به صلح جهانی معرفی می‌کند. وی معتقد است: «استفاده از همکاری‌های علمی بین‌المللی در جهت گسترش ارتباطات و همکاری‌های میان مردم کشورهای مختلف و ارتقای صلح جهانی، موفقیت و ثبات» کارکرد اصلی دیپلماسی علم و فناوری است (صنیع اجلال، ۱۳۹۶: ۱۹۷).

دهشیری و طاهری (۱۳۹۵) دیپلماسی آموزشی را «بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی در جهت بسط تفاهم و درک مشترک و تصویرسازی مثبت از کشور» دانسته‌اند که خود از ارکان دیپلماسی فرهنگی قلمداد می‌گردد (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵ الف).

درخشه و غفاری (۱۳۹۰) دیپلماسی آموزشی را «برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبگان کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش» تعریف کرده‌اند که برای تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون به کار می‌رود (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴).

تعاریف فوق را در جدول ۱ می‌توان خلاصه نمود:

مفهوم	ابزار	هدف	تعریف‌کننده	رویکرد
دیپلماسی علمی	همکاری‌های علمی	رسیدگی و حل و فصل چالش‌های مشترک	کولانی و عزیزی ۱۳۹۶	لیبرالیستی
دیپلماسی علم و فناوری	همکاری‌های علمی	ایجاد روابط و پل‌هایی میان جوامع بخصوص در حوزه‌هایی که ممکن است مکانیسم دیگری برای تعامل در سطح رسمی وجود نداشته باشد	گزارش دیپلماسی علم برای فرانسه ۲۰۱۳	لیبرالیستی

1. Mphadzula
2. Edwards
3. Leshner



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های جهان اسلام

۷۹

دوره‌های علمی به‌مثابه قدرت نرم

رئالیستی لیبرالیستی	گزارش معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری ایران ۱۳۹۰	(۱) پیشبرد سیاست خارجی کشور (۲) توسعه و تعاملات فناوری	(۱) توانمندی‌های علمی و فناوری یک کشور (۲) روابط سیاسی یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی	دیپلماسی علم و فناوری
لیبرالیستی	نینا فدوروف ۲۰۱۰	رفع مشکلات متداول بشریت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی سازنده و دانش‌بنیان	تعامل علمی بین ملت‌ها	دیپلماسی علمی
کارکردگرایانه	امپادزولا ۲۰۱۴	کسب و استفاده کاربردی از دانش یا اطلاعات	مذاکرات بین نمایندگان گروه‌ها و ملت‌ها	دیپلماسی علمی
لیبرالیستی	ادواردز ۲۰۱۰	ایجاد روابط بین‌المللی سازنده	همکاری‌های علمی، تعاملات و ارتباطات	دیپلماسی علم و فناوری
لیبرالیستی	لشنر ۲۰۰۸	گسترش ارتباطات و همکاری‌های میان مردم کشورهای مختلف و ارتقای صلح جهانی، موفقیت و ثبات	همکاری‌های علمی بین‌المللی	دیپلماسی علم و فناوری
لیبرالیستی	درخشه و غفاری ۱۳۹۰	تقویت تفاهم متقابل به جهان بیرون	برقراری، توسعه و پیگیری روابط با نخبران کشورهای خارجی از طریق فرهنگ، هنر و آموزش	دیپلماسی آموزشی
لیبرالیستی	دهشیری و طاهری ۱۳۹۵	بسط تفاهم و درک مشترک و تصویرسازی مثبت از کشور	ظرفیت‌های آموزشی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی	دیپلماسی آموزشی

جدول ۱: تعاریف دیپلماسی علمی

اهدافی که در تعاریف فوق برای دیپلماسی علمی برشمرده شد مانند «ایجاد پل میان جوامع»، «پیشبرد سیاست خارجی کشور»، «حل و فصل چالش‌های مشترک»، «همکاری میان مردم کشورها»، «تصویرسازی مثبت از کشور» و... همگی اهدافی هستند که برای دیپلماسی عمومی نیز ذکر شده‌اند. به تعبیر ساده اگر دیپلماسی عمومی را «مخاطب قرار دادن مردم سایر کشورها جهت تأمین منافع کشور از هر روش نرم ممکن» تعریف کنیم، دیپلماسی علمی همان دیپلماسی عمومی است، البته محدود به روش‌های مربوط به علم و فناوری. نکته قابل توجه در خصوص دیپلماسی علمی این است که هرگونه همکاری علمی بین‌المللی جزو آن محسوب نمی‌شود. برخی شاید با اهداف اقتصادی و تجاری و... خود بدون توجه به منافع ملی همکاری

علمی برقرار کنند، اما در دیپلماسی علمی در راستای منافع ملی بودن اهمیت دارد.

۳- پیشینه

پیش‌تر پژوهش‌هایی درباره دیپلماسی علم و فناوری انجام شده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش

عنوان پژوهش	نویسندگان (سال پژوهش)	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
ابعاد سیاسی-فرهنگی همکاری‌های علمی بین‌المللی در اسناد ملی علم و فناوری کشورهای منتخب	میرحسینی و محمدی دوستدار (۱۳۹۴)	بررسی ابعاد نفوذ به کشورهای مختلف از طریق علم و فناوری، با رویکردی معطوف به سلطه و مقاومت	تحلیل محتوای کیفی اسناد کلان علم و فناوری ۳۴ کشور از پنج قاره و استخراج هفت محور موضوعی اصلی
ارائه چارچوب توسعه دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان و مسئولان علمی و دیپلماسی کشور	تسلیمی، نوروزی، مخدومی و هاجری (۱۳۹۶)	ارائه الگوی پارادایمی و نظام‌مند توسعه دیپلماسی علمی کشور	ارائه الگوی پارادایمی ذیل مقولات علل غایی، علل ضروری، علل فاعلی، شروط، موانع، ظرفیت‌ها، معوقات و برونداها
دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان	کولایی و عزیزی (۱۳۹۶)	مطالعه رویکرد جمهوری اسلامی در دیپلماسی علمی به‌ویژه در روابط با گرجستان	بیان وضعیت دیپلماسی علمی ایران و رقبا در گرجستان دیپلماسی علمی ایران در قبل گرجستان با حالت مطلوب خود فاصله دارد، اما ظرفیت بالقوه آن موجود است
نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران	دهشیری و طاهری (۱۳۹۵)	ایالات متحده آمریکا چگونه از ظرفیت‌های آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی خود به‌ویژه در قبال ایران استفاده می‌نماید؟	بیان جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، ساختارها و کارگزاران مرتبط با آن، شیوه‌های به‌کارگیری آن، و بررسی دیپلماسی آکادمیک آمریکا در قبال ایران ذیل مبادلات آموزشی و تأسیس شعب دانشگاهی و دیپلماسی علمی
بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران	براتی (۱۳۹۰)	پدیده دیپلماسی علم و فناوری چیست و دارای چه ابعادی می‌باشد و چه تمایزاتی با مفاهیم مشابه دارد؟	تبیین نظری دیپلماسی علم و فناوری، بررسی تجربه آمریکا، آلمان، ژاپن و هندوستان، بیان اهداف، ملزومات و وضع موجود دیپلماسی علم و فناوری ج.ا.ا. و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقای آن



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۸۰

سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	محسنی سهی و محسنی سهی (۱۳۹۴)	بررسی تأثیر دیپلماسی علم و فناوری در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	تبیین ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی علم و فناوری، شناسایی نقاط قوت و فرصت‌های پیشروی آن و تأثیر آن در افزایش قدرت نرم ایران
دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی	صنیع اجلال (۱۳۹۶)	بررسی تأثیر دیپلماسی علم و فناوری در توسعه کشورهای اسلامی	بررسی دیپلماسی علم و فناوری در آمریکا، ژاپن، چین و ترکیه. تبیین نقش آن در همگرایی کشورهای اسلامی و ارائه یک مدل مفهومی برای این امر

درمجموع مرور این پژوهش‌ها در تبیین مفهومی دیپلماسی علمی و ذکر تجارب برخی از کشورهای جهان در این حوزه قابل استفاده و استناد بود. اما این نیاز احساس می‌شد که تجارب دیگر کشورها نیز موردبررسی قرار گیرد و بر اساس آن و نیز تدقیق مفهومی صورت گرفته، به سمت ترسیم یک الگوی مطلوب برای ایران حرکت نماییم. لذا این مقاله با این هدف سامان یافت.

۴- رویکردها به دیپلماسی علمی

گرچه تاکنون رویکردهای مختلف به دیپلماسی علمی احصا نشده است، اما با اقتباس از نظراتی که درباره دیپلماسی علمی و دیپلماسی فرهنگی در این خصوص وجود دارد، می‌توان آن‌ها را به دیپلماسی علمی (که بخشی از دیپلماسی عمومی و فرهنگی به حساب می‌آید) نیز گسترش داد. این چهار رویکرد عبارت‌اند از: لیبرالیستی، رئالیستی، سازه‌انگاران و انتقادی. در رویکرد «لیبرالیستی» یا «تعامل‌گرایانه»، قبول تنوع فرهنگی شرط اساسی است، و بقای روابط فرهنگی به آن بستگی دارد. در این رویکرد می‌بایست به سایر فرهنگ‌ها احترام گذاشت و از روابط یک‌جانبه و تحمیل‌گرایانه و سلطه‌گرایانه پرهیز نمود. پس فرهنگ‌های ضعیف‌تر نیز موردتوجه قرار می‌گیرند و کمک به حفظ آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند. شیخ‌الاسلامی و نوری مهم‌ترین وجه ممیزه این رویکرد در مقایسه با سایر رویکردها را «ایمان به امکان‌پذیری تکامل روبه‌جلوی روابط بین‌الملل از طریق همکاری، تقلیل و تخفیف نقاط افتراق، کاهش تعارض‌ها و درنهایت تحقق یافتن صلح بین‌المللی» می‌دانند که دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به تحقق آن کمک کند (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶). اهمیت تعامل برابر و دوجانبه در این رویکرد به



حدی است که برخی حتی از به کار بردن لفظ «دیپلماسی فرهنگی» نیز به خاطر القای فعالیت یک‌سویه اجتناب کرده، و «روابط فرهنگی» را بر آن ترجیح می‌دهند.

رویکرد دوم، «رنالیستی» یا «تقابل‌گرایانه» نام دارد که برخلاف رویکرد اول، یک‌سویه بوده و به دنبال اعمال نفوذ در سایر کشورها است. فرهنگ‌های ضعیف‌تر در این رویکرد جایگاهی ندارند و از بین می‌روند. نظریه «تک‌قطبی جورج بوش»، طرح «نظم نوین جهانی»، نظریه «برخورد تمدن‌ها» هانتینگتون و ایده «استثناگرایی آمریکایی» از مهم‌ترین مصادیق رویکرد رنالیستی هستند. استثناگرایی آمریکایی صراحتاً از مشروعیت اعمال نفوذ آمریکا بر دیگر کشورها، به خاطر برتری‌های ذاتی او سخن می‌گوید و بر اساس آن «آمریکا به‌عنوان آرمان‌شهری در نظر گرفته می‌شود که از نظر اخلاقی بالاتر از سایر کشورها و قدرت‌ها در سرتاسر جهان است و از این‌رو وظیفه دارد اندیشه‌ها، آرمان‌ها و ارزش‌های دموکراتیک و نظام سیاسی به سبک آمریکایی را به بقیه جهان اشاعه دهد» (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶).

رویکرد «سازه‌انگارانه» سومین رویکردی است که در این راستا موردتوجه قرار می‌گیرد. در این نظریه ساختار، عاملیت و رابطه بین آن دو جایگاه مهمی دارد و به جای «ساختاری کردن»، از «تعامل اجتماعی» سخن می‌گوید و این تعامل اجتماعی است که هویت و منافع ما را شکل و معنا می‌دهد (بشیر، ۱۳۹۵). با این رویکرد، در دیپلماسی عمومی نیز تعامل اجتماعی و شکل دادن به هویت از طریق آن جایگاه مهمی می‌یابد و لذا برنامه‌های مبادله‌ای موردتوجه جدی واقع می‌شوند، چراکه در آن‌ها بر هویت و ارزش‌های افراد شرکت‌کننده، به نفع منافع و ارزش‌های کشور میزبان اثر گذاشته می‌شود. به تعبیر شیخ‌الاسلامی و نوری «اگر در دیپلماسی فرهنگی «نهادها و موسسه‌های فرهنگی» و در دیپلماسی رسانه‌ای «رسانه‌ها» دیپلماسی عمومی را اعمال می‌کردند، در دیپلماسی مبادله‌ای این «انسان‌ها» هستند که محور و عامل آن محسوب می‌شوند... در دیپلماسی مبادله‌ای «هویت» محور اصلی مانور استفاده‌کنندگان از آن است. در تبادل‌ها و خصوصاً در تبادل‌های دانشگاهی، افراد در طول دوران تحصیل خود و در مدت اقامت در کشور میزبان، خواسته یا ناخواسته، کم یا زیاد، هویتی جدید کسب می‌کنند و از هویت قبلی خود دورتر می‌شوند. میزان موفقیت یک کشور در دیپلماسی مبادله‌ای به میزان موفقیتش در تغییر دادن هویت افرادی که آن‌ها را طی بازه زمانی مشخص میزبانی می‌کند،

بستگی دارد» (شیخ الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶).

رویکرد چهارم، رویکرد «انتقادی» است که به جریان غالب دیپلماسی فرهنگی/ علمی با دید منفی می‌نگرد و آن را به‌مثابه ابزاری در دست سلطه‌گران و امپریالیسم می‌داند. کتی فیتزپاتریک^۱ معتقد است سیاست‌های فرهنگی آمریکا به‌منزله ابزار دیپلماسی عمومی، ناشی از پیش‌فرض‌های هژمونیک‌اند که برخی منتقدان آن را در حد «امپریالیسم فرهنگی» می‌دانند. به اعتقاد بلتران^۲ امپریالیسم فرهنگی «فرایندی واقعی از نفوذ اجتماعی است که از طریق آن یک کشور، مجموعه باورها، ارزش‌ها، دانش و هنجارهای رفتاری خود و نیز تمامی شیوه زندگی‌اش را بر کشورهای دیگری تحمیل می‌کند» (فرخی، ۱۳۹۰). هدف امپریالیسم فرهنگی، حفظ و گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی کشور عامل از طریق نفوذ فرهنگی است و معتمدنژاد آن را برای کشورهای امپریالیستی «حیاتی» می‌داند (معتمدنژاد، ۱۳۹۲). یکی از متفکران بزرگ این حوزه، هربرت شیلر^۳ است که در آثار مختلف خود به‌صورت صریح و ضمنی به دیپلماسی فرهنگی، و حتی مفهوم و مصادیق دیپلماسی علمی (بدون نام بردن از لفظ آن) اشاره کرده است. شیلر آموزش و پژوهش در کشورهای هسته مرکزی و کشورهای پیرامونی را در خدمت اهداف اقتصادی شرکت‌های چندملیتی می‌داند. همواره موضوعات علمی‌ای موردتوجه قرار می‌گیرند که منطبق بر نیازها و منابع تصمیم‌گیری در مراکز قدرت (شرکت‌ها، بوروکراسی دولتی و ارتش) کشورهای سرمایه‌داری هسته مرکزی هستند و در نتیجه نیازهای مردم در کشورهای پیرامونی همواره مسکوت و مغفول واقع می‌شود. در حقیقت اولویت‌های علمی را سرمایه‌داران کشورهای هسته مرکزی تعیین می‌کنند. او تصریح می‌کند «علم شناسان در نواحی وابسته و پیرامونی ناگزیر در صورتی که از برجسته‌ترین‌ها تلقی می‌گردند، کشورهای خود را ترک می‌کنند و به محیط پژوهشی ظاهراً پُرانگیزش تر و دارای سطح پرداخت مالی بالاتر در منطقه هسته مرکزی می‌پیوندند و در غیر این صورت عقب می‌مانند تا در طرح‌های مشابه، اما معمولاً در نقشی کم‌اهمیت‌تر و اغلب فقط به‌عنوان «گردآورنده داده‌ها» جهت بررسی در جاهای دیگر به کار پردازند. در هرکدام از این موارد نیازهای نواحی وابسته نابرابر آورده می‌مانند و چشم‌اندازهای

1. Katie Fitzpatrick

2. Luis R. Beltrán

3. Herbert Schiller



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

اجتماعات علمی آن‌ها به وسیله سلطه‌گران خارجی آنان شکل داده می‌شوند. تکنولوژی ناشی از بسیاری از این پژوهش‌ها نیز معرف نیازهای اکثریت مردم کشورهای پیرامون نیست و بعضی اوقات با این نیازها تعارض پیدا می‌کند» (شیلر، ۱۹۷۶). شیلر همچنین به ایجاد مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسساتی منطبق با نمونه‌های آمریکای شمالی در کشورهای جهان سوم اشاره می‌کند که تسهیل‌کننده این فرایند امپریالیستی و سلطه‌گرایانه است (شیلر، ۱۹۷۶).

چهار رویکرد بیان‌شده به صورت مقایسه‌ای در جدول ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳: رویکردها به دیپلماسی علمی

عنوان رویکرد	لیبرالیستی	رفالیستی	سازه‌نگارانه	انتقادی
نام دیگر	تعامل‌گرا ایده آلیستی	تقابل‌گرایانه	-	امپریالیستی
لفظ منتخب	روابط علمی (دیپلماسی علمی)	دیپلماسی علمی	دیپلماسی مبادله‌ای	دیپلماسی سلطه علمی
هدف	صلح بین‌المللی	جذب دیگران برای نفوذ و کسب قدرت بیشتر	تأمین منافع از طریق هویت	نفی سلطه اقتصادی و سیاسی
تأکید بر	کاهش نقاط افتراق و تعارض‌ها	تقابل و تضاد	تغییر هویت انسان‌ها	افشای سازوکار تحمیل ارزش‌ها، باورها، دانش و هنجارهای سلطه‌گر
جهت ارتباط	دوجانبه و دیالوگ	یک‌جانبه و مونولوگ	یک‌جانبه و دوجانبه	مرکز - پیرامون
رویکرد به دیگری	پذیرش تنوع و قبول غیر	نفی تنوع و غیر	-	-
رویکرد به دیگری ضعیف	کمک به بقا	همسان‌سازی	-	حمایت در برابر سلطه‌گر
مصادیق	گفتگوی تمدن‌ها	برخورد تمدن‌ها نظم نوین جهانی استثنائگرایی آمریکایی	طرح فولبرایت	امپریالیسم علمی

۵- حوزه‌های دیپلماسی علمی

انجمن سلطنتی بریتانیا^۱ و انجمن آمریکایی پیشبرد علم^۲ در سال ۲۰۱۰ سه حوزه اصلی برای دیپلماسی علمی بر شمرده است:

۱. علم در دیپلماسی: مجهز کردن تصمیم‌گیران بین‌المللی به دانش علمی، شکل‌دهی علم به اهداف سیاست خارجی و حمایت از آن (مانند بهره‌گیری از فنون مذاکره و تصمیم‌گیری در مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵)

1. British Royal Society

2. American Association for the Advancement of Science



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های ساینسی جهان اسلام
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی

۲. دیپلماسی برای علم: تسهیل همکاری‌های علمی و فناوری بین‌المللی (مانند رایزنی‌های دیپلماتیک برای وارد کردن قطعات و فناوری مربوط به ساخت ماهواره)

۳. علم برای دیپلماسی: بکار گرفتن علم برای بهبود روابط بین‌المللی (مانند ایجاد کرسی‌های ایران‌شناسی و آموزش زبان فارسی در برخی دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهان) (www.royalsociety.org, 2010)

۶- ابعاد دیپلماسی علمی

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان ابعاد و اجزای دیپلماسی علمی را با تمرکز بر دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران مطابق شکل ۱ تقسیم‌بندی نمود (محسنی سهی و محسنی سهی، ۱۳۹۴):

فرهنگی	پژوهشی	آموزشی	اجرایی	پرستلی	رفاهی
• تعاملات بین فرهنگی • اعزام سفیران فرهنگی • اعزام رایزن‌های علمی • حمایت از کرسی‌های زبان آموزی	• نگارش کتب مشترک • برگزاری همایش‌های مشترک • پروژه‌های پژوهشی مشترک • راه اندازی مجله‌های پژوهشی بین‌المللی • تأسیس مراکز تحقیق و توسعه علمی بین‌المللی	• برنامه‌های درسی مشترک دانشگاهی • دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مشترک • ایجاد دانشگاه‌های مجازی	• عضویت و مشارکت فعال در سازمان‌ها و انجمن‌های علمی بین‌المللی • بستن و اجرای قراردادهای و تفاهم‌نامه • ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در دیگر کشورها	• اعزام دانشجویان به خارج از کشور • جذب دانشجویان خارجی • اعطای فرصت مطالعاتی	• اعطای تسهیلات دانشجویی برای ویزا، اقامت، اجازه کار • دادن جوایز علمی مشترک بین‌المللی

شکل ۱: ابعاد دیپلماسی علمی

۷- دیپلماسی علمی کشورهای منتخب

گستره مخاطبان برنامه‌های دیپلماسی علمی گرچه به‌اندازه برنامه‌های دیپلماسی رسانه‌ای نیست، اما قطعاً به‌مراتب از آن مؤثرتر است. نخبگان کشورهای هدف که همسو با منافع کشور مبدأ هستند، به‌عنوان رهبران اجتماعی بر افکار عمومی کشور خود نیز اثرگذارند و از این طریق می‌توانند عامل ایجاد تغییر باشند. لذا سرمایه‌گذاری بر دیپلماسی علمی از دو جهت بر افکار

عمومی کشور هدف تأثیر می‌گذارد: به‌طور مستقیم بر قشر محدودتری از آن‌ها که نخبگان هستند، و به‌طور غیرمستقیم بر عموم مردم. تجارب جهانی متعددی از به‌کارگیری دیپلماسی علمی در جهت افزایش قدرت نرم کشورهای مختلف وجود دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱-۷- ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا را بدون شک می‌توان پیشتاز دیپلماسی علمی جهان دانست. این کشور با اجرای برنامه‌های متعدد و متنوع در این زمینه عمل می‌کند. در ادامه به تاریخچه مختصر دیپلماسی علمی آمریکا و برخی برنامه‌های مهم آن اشاره می‌شود.

پس از جنگ جهانی دوم، آموزش عالی آمریکا با جذب دانشجویان و محققان از سراسر جهان به بزرگ‌ترین میزبان دانشجویان خارجی تبدیل شد، و زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان اصلی علم و پژوهش تحمیل کرد و سپس دانشگاه‌های این کشور بر ارتباطات علمی و تحقیقاتی تسلط یافتند. بدین ترتیب آموزش عالی این کشور به‌عنوان برترین آموزش عالی جهانی شناخته شد. در دوران جنگ سرد، تبادلات علمی و فرهنگی نقش مهمی در تقویت قدرت نرم آمریکا ایفا کرد. درحالی‌که برخی از آمریکایی‌ها نگران نفوذ و سوءاستفاده دانشمندان و عوامل اطلاعاتی شوروی از طریق این برنامه‌ها بودند، اما برخی دیگر اعتقاد داشتند این افراد در کنار آموزش‌های علمی که در آمریکا می‌بینند، ایده‌های سیاسی آمریکا را نیز در خود جذب می‌کنند. تا قبل از فروپاشی شوروی بیش از ۵۰ هزار نفر از نخبگان این کشور در قالب برنامه‌های مبادله رسمی از آمریکا بازدید کردند. (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۸).

مورد بعد مربوط به تمرکز آمریکا بر افکار عمومی مسلمانان منطقه غرب آسیا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و حمله به افغانستان و عراق است. «دولت آمریکا معتقد بود که با افزایش فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی در قبال جهان اسلام، می‌بایست افکار عمومی مسلمانان را در جهت موردنظر خود هدایت کرده و آنان را نسبت به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه متعهد ساخت. در سال ۲۰۰۳ یک‌چهارم بودجه برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی فرهنگی خارجی آمریکا به کشورهای خاورمیانه اختصاص یافت» (دهشیری



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

و طاهری، ۱۳۹۵ ب: ۷۷-۷۸). این بخشی از رویکردی است که آمریکا در قبال ایران نیز پیش گرفته و به اهمیت آن پی برده است.

مهم‌ترین ساختارهای مرتبط با دیپلماسی علمی در ایالات متحده عبارت‌اند از:
الف) آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده:

این آژانس که در سال ۱۹۵۳ زیر نظر رئیس‌جمهور وقت آمریکا تأسیس شد، دیپلماسی عمومی این کشور را برای نخستین بار بر عهده گرفت. مهم‌ترین هدف آن بهبود درک متقابل بین مردم آمریکا و مردم سایر کشورها است که از طریق برنامه‌های دانشگاهی و فرهنگی آن را دنبال می‌کرد. ازجمله مهم‌ترین این برنامه‌ها، بورس «فولبرایت» و برنامه «سخنگویان» است. در برنامه فولبرایت^۱ سالیانه حدود ۴۸۰۰ بورس به دانشجویان و اساتید کشورهای دیگر اعطا می‌شود. برنامه سخنگویان^۲ نیز سالیانه حدود ۷۰۰ آمریکایی را برای سخنرانی به کشورهای دیگر اعزام می‌کند تا پیوندهای طولانی‌مدتی میان دانشگاه‌های آمریکایی و دانشگاه‌های کشور هدف برقرار سازند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب). آژانس اطلاع‌رسانی آمریکا در سال ۱۹۹۹ در معاونت دیپلماسی عمومی وزارت خارجه ادغام شد.

ب) معاونت دیپلماسی عمومی و روابط عمومی وزارت خارجه:

معاونت امور فرهنگی و آموزشی، یکی از زیرمجموعه‌های سه‌گانه این معاونت است که کلیه برنامه‌های دانشگاهی که توسط وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شوند را مدیریت می‌کند، ازجمله برنامه‌های بورسیه تحصیلی برای دانشجویان، مدرسان و محققان، برنامه هامفری^۳ (مربوط به تبادل اساتید)، برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی، برنامه‌های مطالعات آمریکا، ارائه مشاوره به دانشجویان خارجی و بازاریابی برای مؤسسات آموزش عالی آمریکا از طریق شبکه دفاتر آموزشی آمریکا در سراسر جهان. اتکای این برنامه‌ها به امتیاز دانشگاه‌های آمریکایی و اعتبار جهانی آن‌ها است (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

برنامه بورس فولبرایت که پس از ادغام آژانس اطلاع‌رسانی، توسط معاونت دیپلماسی عمومی اجرا می‌شود، به دانشجویان، بورسیه و به متخصصان صاحب‌نام، کمک‌هزینه اعطا

1. Fulbright program
2. American Participant
3. Humphrey Program



می‌کند. برخلاف تصور بورس فولبرایت فقط خارجی‌ها را به آمریکا دعوت نمی‌کند، بلکه آمریکایی‌ها را نیز به کشورهای دیگر اعزام می‌کند (راف^۱، ۱۳۹۵، ۲۶۵-۲۶۶).

«برنامه مبادله رهبران جوان عراق»^۲ یکی دیگر از این برنامه‌ها است که جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله عراقی را هدف قرار می‌دهد. در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ به‌طور متوسط سالیانه حدود ۲۰۰ جوان عراقی در این برنامه شرکت کرده‌اند که در مقایسه با دیگر برنامه‌های آمریکا و سهمیه دیگر کشورها، عدد قابل توجهی است. این جوانان ۴-۶ هفته در این برنامه شرکت می‌کنند و طی برنامه‌های متفاوتی مانند زندگی با خانواده‌های آمریکایی، بازدید از مراکز علمی و صنعتی آمریکا، کلاس‌های آموزش مدنی و مانند آن با فکر، فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی آشنا می‌شوند (جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۱۵۰-۱۵۱).

ج) هیئت مبادلات و تحقیقات بین الملل

د) انجمن آمریکایی پیشبرد علم:

یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی است که خود را رهبر و سخنگوی پیشبرد علم در جهان می‌داند و تقویت ارتباط میان دانشمندان، مهندسان و عموم مردم و در نتیجه افزایش همکاری‌های بین‌المللی در علم را دنبال می‌کند (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

ه) دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه:

وظیفه این دفتر ارائه مشاوره و منابع موردنیاز در زمینه علم و فناوری به بخش‌های مختلف وزارت خارجه آمریکا را بر عهده دارد. برخی از فعالیت‌های آن عبارت‌اند از: مدیریت بورس‌های مختلف علم و فناوری، مدیریت سخنرانی‌های علمی برون‌مرزی، رصد علم و فناوری در دنیا، طرح پژوهشگران Nexxt (با جامعه هدف زنان کشورهای اسلامی) و گفتگوی جهانی در زمینه علم و فناوری‌های در حال ظهور (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ب).

«تبادل رهبران آینده»^۳ یکی دیگر از برنامه‌های دیپلماسی علمی آمریکا است که در آن دانش آموزان مستعد و تیزهوش سال پایانی دبیرستان در کشورهای دیگر را جذب، و آن‌ها را برای ادامه تحصیل و زندگی با خانواده‌های آمریکایی به مدت یک سال به آمریکا اعزام می‌کند (دهشیری و

1. William A Rugh

2. Iraqi Young Leaders Exchange Program (IYLEP)

3. Future Leaders Exchange (FLEX) Program



طاهری، ۱۳۹۵، ب). برنامه دیگر، ترغیب دانشجویان آمریکایی به تحصیل در خارج از خاک این کشور، و نیز تأسیس شعبه دانشگاه‌های صاحب‌نام آمریکا در کشورهای دیگر است. نای مهم‌ترین بعد جذابیت آمریکا در سال ۲۰۰۳ در جهان (۷۹٪) و در جهان اسلام (۷۰٪) را «تجلیل از آمریکا به دلیل سطح عالی‌اش در حوزه علوم و فناوری‌های پیشرفته» ذکر کرده است، درحالی‌که در همین سال اعتراضات زیادی نسبت به سیاست خارجی آمریکا (مخصوصاً درباره حمله به عراق و قبل‌تر حمله به افغانستان) رخ داده بود (نای، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۸).

۲-۷- چین

برنامه‌های مبادله فرهنگی و آموزشی بخش مهمی از دیپلماسی علمی چین را تشکیل می‌دهند. چین تعداد قابل‌ملاحظه‌ای دانشجویان خود را به کشورهای دیگر اعزام می‌کند و دانشجویان خارجی را می‌پذیرد. بخش عمده دانشجویان غیرآمریکایی در آمریکا را چینی‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین ژاپن یکی از مهم‌ترین مقاصد تحصیلی دانشجویان چینی است. سیاست دیگر چین در دیپلماسی علمی و آموزشی، تأکید بر زبان چینی است که مسئولیت آن را «انستیتو کنفوسیوس»^۱ بر عهده دارد. این موسسه عمومی غیرانتفاعی در حال حاضر بیش از ۵۰۰ شعبه در بیش از ۱۳۴ کشور جهان دایر کرده است. (Liu, ۲۰۱۸). انستیتو کنفوسیوس علاوه بر ترویج زبان چینی در قالب‌هایی مانند تربیت و اعزام معلم زبان چینی به خارج از کشور، برگزاری کلاس‌های آموزش زبان چینی، برگزاری آزمون‌های استاندارد زبان چینی، از برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو نیز حمایت مالی به عمل می‌آورد.

۳-۷- روسیه

طبق گزارشی که وزارت خارجه روسیه در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده، این کشور دارای ذخایر مناسب و راهبردی در حوزه آموزش عالی بوده که آن‌چنان‌که باید مورد استفاده قرار نگرفته است. تعداد دانشجویان خارجی در حال تحصیل در روسیه روبه افزایش است که بخش عمده آن‌ها را دانشجویان چینی و کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی تشکیل می‌دهند. گفته

1. Confucius Institute

می‌شود روسیه از طریق آموزش فرهنگ و زبان روسی درصدد افزایش نفوذ و سلطه سیاسی خود به‌ویژه در کشورهای هم‌جوار است. تأسیس «بنیاد دنیای روسی»^۱ در سال ۲۰۰۷ باهدف گسترش نشر و آموزش زبان روسی در دیگر کشورها نیز در همین راستا دیده می‌شود (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، الف).

۴-۷- آلمان

در آلمان «سرویس مبادله آکادمیک آلمان»^۲ بخش مهمی از وظایف دیپلماسی علمی و آموزشی این کشور را بر عهده دارد. هدف این سرویس جذب نخبگان جوان خارجی به‌عنوان «شرکا و دوستان آلمان»، ترویج زبان آلمانی در جهان و تقویت علاقه، درک و شناخت از آلمان است که این اهداف را از طریق ارائه بورس‌های تحصیلی به دانشجویان، معلمان، محققان و دانشمندان آلمانی و غیرآلمانی و تقویت همکاری‌های علمی دانشگاه‌های این کشور با دانشگاه‌های دیگر کشورها دنبال می‌کند. سرویس مبادله آکادمیک تلاش دارد آلمان را به‌عنوان «سرزمین ایده‌ها» در افکار عمومی ثبت کند. این سرویس همچنین از طریق ارتقای سطح علمی در کشورهای در حال توسعه به دنبال اصلاحات اقتصادی و دموکراتیک است. «بنیاد الکساندر فون هومبالت»^۳ دیگر کنشگر آلمانی در حوزه دیپلماسی علمی است که با اعطای بورس‌های بین‌المللی در پی جلب قلوب و اذهان گروه‌های هدف در مناطق اسلامی می‌باشد (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۶۸۴-۶۸۵).

۵-۷- ترکیه

ترکیه نیز جهت نفوذ در آسیای مرکزی و جهان ترک، بر فعالیت‌های آموزشی سرمایه‌گذاری کرده و آن را «بازرزش‌ترین سرمایه‌گذاری» خود می‌داند که در بلندمدت منافع این کشور را تأمین خواهد کرد. «دانشجویانی که در ترکیه تحصیل می‌کنند پس از اینکه به کشورشان برگشتند، پست‌های مهم را در دست خواهند گرفت و انتظار می‌رود آن‌ها به گسترش روابط کشور خود



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام
جمعه نشریات العالم الاسلامی

۹۰

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

1. Russkiy Mir Foundation
2. German Academic Exchange Service (DAAD)
3. Alexander von Humboldt Foundation

با ترکیه و افزایش نفوذ ترکیه در منطقه کمک نمایند. هم‌اکنون بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ترکیه در مناصب بالای حکومتی این جمهوری‌ها حضور دارند» (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵ الف). علاوه بر پذیرش دانشجویان خارجی، دولت و مؤسسات غیردولتی ترکیه (مانند موسسه اوقاف دنیای ترک و مؤسسات وابسته به گولن) به تأسیس صدها مدرسه و چندین دانشگاه در کشورهای مقصد و مخصوصاً کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی اهتمام ورزیده است. همچنین این کشور در سال ۱۹۹۳ کنفرانس دائمی روسای دانشگاه‌های جهان ترک را در آنکارا به وجود آورد (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵ الف).

۶-۷- ژاپن

ژاپن جزو کشورهای اولیه و پیشگام در حوزه دیپلماسی فرهنگی و علمی بوده است، تأسیس انجمن روابط فرهنگی بین‌المللی این کشور در سال ۱۹۳۴، هم‌زمان با تأسیس شورای بریتانیا، به‌روشنی این مسئله را بیان می‌کند. بنیاد ژاپن در سال ۱۹۷۲ با هدف انجام مبادله فرهنگی بین‌المللی تأسیس شد. این بنیاد از طریق «اجرای کارآمد و جامع فعالیت‌های مربوط به مبادله فرهنگی بین‌المللی» اهدافی مانند ایجاد یک محیط بین‌المللی بهتر، افزایش فهم ملت‌ها از ژاپن، و گسترش دوستی و حسن نیت میان ملت‌ها را دنبال می‌کرد. گسترش آموزش زبان ژاپنی، مطالعات ژاپنی و مبادلات فرهنگی سه مقوله اصلی فعالیت بنیاد ژاپن است (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۷۰۱). «برنامه مبادله و تدریس ژاپن» از دیگر برنامه‌های مهم و موفق دیپلماسی علمی ژاپن است که از فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه‌های دیگر کشورها برای شرکت در برنامه‌های بین‌المللی یا آموزش زبان ژاپنی خود دعوت به عمل می‌آورد (اسنو و تیلور، ۱۳۹۰: ۷۱۰).

۷-۷- عربستان سعودی

عربستان سعودی از یک‌سو به خاطر سابقه اسلامی و سلفی خود برای برخی مسلمانان کشوری قابل‌توجه بوده و از سوی دیگر با اتخاذ رویکرد جدید و لیبرال و حرکت به سمت چشم‌انداز ۲۰۳۰، در عرصه دیپلماسی علمی کنشی دوگانه دارد. تأسیس دانشگاه‌های بزرگ با امکانات آموزشی و پژوهشی، پذیرش دانشجو از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، اعطای



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

تسهیلات و بورسیه‌های آموزشی، اعطای مجوز فعالیت به دانشگاه‌های غربی، راه‌اندازی مدارس و دانشگاه‌های اسلامی از جمله فعالیت‌های این کشور در حوزه دیپلماسی علمی و آموزشی است (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، الف).

۸-۷- امارات متحده عربی

امارات متحده عربی گرچه از لحاظ توان علمی و سابقه تاریخی در دیپلماسی علمی حرفی برای گفتن ندارد، اما با اتکا به منابع مالی خود اهدافی را برای تبدیل شدن به مقصد تحصیلات عالی و پذیرش دانشجویان کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی تعیین کرده است. در امارت‌های شخصی این کشور مناطق آزادی برای سرمایه‌گذاری و تجارت خارجی‌ها ایجاد شدند و رفته‌رفته به مراکز و شهرهای آموزشی گسترش یافتند. پنجاه پردیس شاخه بین‌الملل در چهار منطقه آزاد مختلف در دوبی واقع شده‌اند و هر مجتمع جداگانه فعالیت می‌کند. شهر بین‌المللی دانشگاهی دوبی^۱ شامل ۴۰ شعبه دانشگاه خارجی می‌باشد. از مؤسسات آموزش عالی خارجی انتظار می‌رود همان سیاست‌ها و مقررات موسسه مادر را اجرا کنند. این شهر ۱۲ کیلومتر مربع وسعت دارد (www.en.wikipedia.org).

۹-۷- قطر

قطر نیز همانند امارات با اتکا به منابع مالی خود به دنبال تبدیل شدن به یکی قطب‌های تحصیلی در دنیا است و این را با پذیرش شعب دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غربی و بالا بردن استانداردها و افزون جذابیت‌های جنبی دنبال می‌کند. در سال‌های اخیر چندین دانشگاه غربی شعبی را در قطر افتتاح کرده‌اند. این پردیس‌ها توسط همان ارگان‌های دانشگاه‌های اصلی مورد تأیید قرار می‌گیرند و مدارک دانشگاهی خود را از همان دانشگاه‌های اصلی دریافت می‌کنند. استانداردهای پذیرش بالا است و بازتابی از استانداردهای دانشگاه مادر است. آموزش نیز به زبان انگلیسی انجام می‌گیرد. «شهر آموزشی قطر»^۲ که ۱۲ کیلومتر مربع وسعت دارد ۹ دانشگاه و ۱۱ مدرسه، از مهدکودک تا دانشگاه را در برمی‌گیرد و بیش از ۸ هزار دانشجوی و



1. Dubai International Academic City
2. Qatar Education City

دانش آموز در آن درس می خوانند. یکی از ورزشگاه های میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ قطر نیز در شهر آموزشی بنا می شود. (www.en.wikipedia.org) (www.hziegler.com) (www.qf.org.qa).

۸- دیپلماسی علمی در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی

در حالی که ایدئولوژی های شرقی و غربی یا به بن بست رسیده یا راه به جایی نبرده اند، در منطقه ما نیز «حاکمانی که در پنج دهه گذشته به دنبال گسترش نظام های غربی و ایدئولوژی های سکولار در کشورهای خود بودند، ناکام ماندند. پان عربیسم، سوسیالیسم، سرمایه داری، مارکسیسم و پدرسالاری همگی ایدئولوژی هایی هستند که در برآوردن نیازهای مردم شکست خورده، باعث شده اند که بسیاری از جنبش های فکری در منطقه به سمت الگوهای مذهبی روی بیاورند» (نظری و قنبرزاده، ۱۳۹۳: ۱۸۰). «جمهوری اسلامی ایران علی رغم تشابهات زیاد با سایر دولت-ملت ها، تفاوت ها و تمایزاتی نیز با آنان دارد. مهم ترین وجه تمایز جمهوری اسلامی، ایدئولوژی مشروعیت بخش آن یعنی اسلام می باشد. به گونه ای که جمهوری اسلامی نخستین دولت ملی پس از وستفالیاست که بر اساس دین و مذهب پایه گذاری شده است. از این رو ایدئولوژی اسلامی به کلیه ارکان و ماهیت جمهوری اسلامی ایران شکل می دهد» (خانی و محمدی سیرت، ۱۳۹۵: ۹۲). لذا در جهت تحقق اهداف این ایدئولوژی، دستیابی به الگویی آرمان گرایانه و واقع گرایانه که مطابق آن با خصوصیات اسلامی و ایرانی ما باشد، ضروری می نماید. یکی از حوزه هایی که ایدئولوژی انقلاب اسلامی در آن تسری می یابد و خود را نشان می دهد، حوزه سیاست خارجی است.

به تبع این نگاه، دیپلماسی عمومی و علمی ایران نیز در مقایسه با سایر نحله های فکری رویکردی متفاوت به خود می گیرد، هرچند از اشتراکاتی نیز برخوردار هستند. در نگاه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به سیاست خارجی (و بالتبع دیپلماسی علمی) رشد و کمال انسان (نه یک فرد و کشور و منطقه) بلکه امت اسلامی و بشریت اهمیت پیدا می کند. اما در عین حال تک تک انسان ها نیز از کرامت و حق کمال برخوردارند (نگاه اصالت فردی و جمعی توأمان). دیگر منافع ملی بر اساس برداشت ظاهری از مرزبندی های جغرافیایی تعیین نمی شود، بلکه منفعت امت اسلامی و بشریت همان منفعت ماست. تعاملات انسان ها با نیت سوء (و حتی بدون هدف برای صرف تقویت ارتباط) نیست، همه در راستای طاعت الهی باید تعریف گردند.



پروپاگاندا و تأثیر بر ناخودآگاه، جای خود را به آگاهی انسان‌ها می‌دهد.

پس از بیان وضعیت دیپلماسی علمی در جهان از ساحت نظر یا عمل، در این قسمت به نقد و بررسی آن و بیان ویژگی‌های حالت مطلوب در الگوی اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی در شش بعد: هدف، رویکرد، محتوا، ابزار، مخاطب و کنشگر برمی‌آییم. گرچه این پژوهش ادعای دستیابی به الگوی مطلوب در این حوزه را ندارد، اما در ادامه به خطوطی کلی که می‌توان برای آن متصور بود اشاره می‌کند.

۱-۸- هدف

در دیپلماسی علمی (و حتی عمومی) هدف غایی تأمین منافع ملی کشور عامل است، به تعبیر دیگر حقیقت نسبی شده و اصالت با تأمین منافع آن کشور و افزایش قدرت نرم آن است و ابزارهای مختلف برای تحقق این هدف می‌توانند مورداستفاده قرار گیرند. در موارد زیادی مشاهده می‌شود که منفعت یک کشور به ضرر دیگر کشورها تمام می‌شود. اما در الگوی مطلوب می‌بایست این منافع بر اساس حقیقت مطلق بوده و نه تنها در تضاد با خیر و منفعت دیگران نباشد، بلکه منافع جامعه بشری و مخصوصاً سایر مسلمانان را نیز تأمین کند. صرف افزایش قدرت یک کشور از دیدگاه مطلوب موضوعیتی ندارد، بلکه قدرت وسیله‌ای برای سلطه حق و اقامه قسط و نیز بالاتر از همه ترکیه انسان‌ها است که در دوران کنونی در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی و حتی تأسیس رژیم ربانی در اتحاد با غیرمسلمانان بروز می‌یابد. لذا آنچه رویکردهای مختلف به عنوان هدف عنوان کرده‌اند، چه تأمین منافع ملی، چه رسیدن به صلح و همزیستی و چه بهره اقتصادی برابر، همگی می‌بایست ذیل این اهداف مطلق قرار گیرند. اگر در شرایط کنونی و مدل مطلوب، دیپلماسی علمی به نفع آمریکا بوده و سلطه آن را بازتولید می‌کند، در شرایط مطلوب ایران می‌بایست نقش محوری کرده و پرچم‌دار تحقق این اهداف باشد. ناگفته پیداست تأکید بر ایران صرفاً از آن جهت است که حکومت حقه اسلامی در آن محقق شده و می‌تواند الگو و شهید -به تعبیر قرآنی «لتكونوا شهداء على الناس» (بقره: ۱۴۳)- باشد و گر نه نفس ایران موضوعیتی ندارد. جدول ۴ وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی را از حیث هدف مقایسه کرده است:



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۹۴

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

جدول ۴: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد هدف

مطلوب اسلامی-ایرانی	موجود	
بر اساس مطلق بودن حقیقت	بر اساس نسبیت حقیقت	ملاک ارزیابی غایی
تأمین منافع انسان‌ها و مخصوصاً جهان اسلام (تطابق با طاعت الله) تزکیه فردی/اقامه قسط و حیات طیبه و سلطه حق (تمدن اسلامی/ تأسیس رژیم ربانی)	تأمین منافع ملی، جذب دیگران و افزایش قدرت نرم (رویکرد رئالیستی)	روابط علمی ابزار...
اقامه قسط و عدل	رسیدن به صلح و همزیستی و فهم متقابل (رویکرد لیبرالیستی)	
ارتباط برای حق	ارتباط برای ارتباط	
سلطه حق	سلطه اقتصادی و سیاسی/ برخورداری اقتصادی برابر (رویکرد امپریالیستی)	
ایران (الگو و شهید)	آمریکا	محوریت

۲-۸- رویکرد

دو وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی از حیث رویکردهای مختلفی می‌تواند مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. دیپلماسی علمی کنونی در بستر سیستم دولت-ملت -با تمام اقتضائات آن- شکل گرفته است اما در الگوی مطلوب، سیستم امام-امت می‌بایست حاکم باشد. همچنین در وضعیت فعلی جهت ارتباط یک‌طرفه (رویکرد لیبرالیستی) یا دوطرفه (رویکرد رئالیستی) است اما در حالت مطلوب، جهت ارتباط چیزی بین آن دو است، یعنی از جهتی نه یک‌طرفه و غیرآگاهانه و اجباری است، و نه بدون هدف و صرفاً برای ایجاد ارتباط، بلکه بر اساس اصول ثابت (که غیرقابل عدول و اغماض است) و فروع متغیری (که فرهنگی تلقی شده و می‌تواند ثابت نباشد) عرضه و دعوت و گفتگو صورت می‌گیرد.

در حالت موجود به روابط علمی به ابزاری برای کسب ثروت بیشتر نگرسته می‌شود و موضوعاتی مورد توجه واقع می‌شوند که سودآوری و صرفه اقتصادی داشته باشند، اما در حالت مطلوب این مسئله اصل و تعیین‌کننده نیست، بلکه نیاز و مسئله واقعی جامعه و امت در اولویت پرداختن قرار می‌گیرد. وضعیت موجود و مطلوب از حیث نوع شاخص ارزیابی نیز قابل بررسی هستند، در حالت موجود کمیت برنامه‌های اجرا شده در کنار کیفیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. اما در حالت مطلوب کمیت اهمیت کمتری پیدا می‌کند (حذف نمی‌شود) و کیفیت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
مجموعه‌ای برای مطالعه و پژوهش در زمینه‌های دینی و اجتماعی اسلام

و محتوای برنامه‌ها مورد توجه بیشتری واقع می‌شود. همچنین استفاده از برنامه‌ها و تکنیک‌های مختلف و اثرگذار در حالت وجود بسیار مورد توجه واقع است، تا جایی که بحث از دیپلماسی علمی (و حتی انواع دیگر دیپلماسی عمومی) معادل بیان تکنیک‌ها و قالب‌های اجرای آن تلقی می‌شود که می‌توان آن را تکنیک زدگی دانست، اما در حالت مطلوب در عین استفاده از قالب‌ها و تکنیک محوری، موارد دیگری مانند محتوا نیز مورد توجه واقع می‌شود.

در وضعیت موجود دیپلماسی علمی، کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه -از جمله ایران- در برابر کشورهای توسعه یافته و پیشرفته و در رأس آن آمریکا حالت انفعال دارند، اما در وضعیت مطلوب اسلامی-ایرانی کنش فعالانه متصور است. در وضعیت موجود دیپلماسی علمی برای تغییر ملت‌ها بدون خواست خود آن‌ها به کار می‌رود، آن‌ها را مانند ماشین و بدون اراده در نظر می‌گیرد و به تغییرات سریع و جوزه و غیر مردمی روی می‌آورد، اما در وضعیت مطلوب هرگونه تغییری باید به صورت تدریجی و آگاهانه و مردمی و درون‌زا باشد، نخبگان فکری و وظیفه ایجاد این حرکت تدریجی و تربیت محور به سوی تغییر را بر عهده دارند. همانند تحصیل و تربیت علمایی مانند شیخ زکزاکی و شیخ عیسی قاسم در ایران، و تأثیرگذاری درون‌زا و مردمی آن‌ها در کشورهای خود. مقایسه رویکرد وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد رویکرد

مطلوب اسلامی-ایرانی	موجود	
امت-امام	دولت-ملت	سیستم
نه دوطرفه و نه یک طرفه مطلق عرضه، دعوت و انتخاب با اختیار	دوطرفه (رویکرد لیبرالیستی) یک طرفه (رویکرد رئالیستی)	جهت ارتباط
گفتگو برای قبول اصول ثابت حق و شناخت فروع فرهنگی آن و نتیجتاً دعوت دقیق‌تر	گفتگو برای گفتگو و برای شناخت متقابل	نوع گفتگو
اختیاری و آگاهانه	تبلیغات و ناخودآگاه	
مسئله و نیاز محور شدن روابط علمی	تجاری شدن روابط علمی	
شاخص کمی کیفی محتوایی	شاخص کمی کیفی	شاخص ارزیابی
فعال	انفعال (جهان سوم)	
محتوا و تکنیک محوری	تکنیک زدگی (پرداختن صرف به ابزارها و روش‌های اعمال دیپلماسی علمی)	
تلاش برای تغییر ما با تفهیم	تصمیم‌گیری برای ملت‌ها بدون خواست واقعی آن‌ها	

تغییرات سریع و جوزه و غیرمردمی	تغییر تدریجی و مردمی، تربیت رهبران فکری و الگوهای سبک زندگی
رویکرد ماشین انگاری انسانی	رویکرد تربیت محور انسانی
ابزار محور و منفعت محور	هدف محور و مصلحت محور

۳-۸- محتوا

در دیپلماسی علمی موجود نه فقط در ایران، بلکه در سطح جهان، علوم مهندسی و پزشکی بیشتر مورد توجه است و همکاری‌ها و تبادلات علمی در آن حوزه‌ها صورت می‌گیرد و حوزه‌های علوم انسانی کم‌رنگ‌تر است. اما در حالت مطلوب در ذیل اهداف بیان شده، علوم دینی و علوم انسانی اسلامی و علوم پیشران برای تحقق تمدن نوین اسلامی مورد توجه بیشتری در مقایسه با بقیه علوم مهندسی و پزشکی قرار می‌گیرند. همچنین در حالت موجود در ایران، ترجمه و برگردان علمی از سایر زبان‌ها به زبان فارسی بیشتر مدنظر است تا تولید علم بومی و ترجمه آثار فارسی به زبان‌های دیگر، در صورتی که در حالت مطلوب برعکس می‌باشد. به علاوه در حالت مطلوب، به علوم حقیقی توجه بیشتری می‌شود، یا به صورت مستقیم و یا به صورت غیر مستقیم از طریق اتصال علوم اعتباری به علوم حقیقی. در جدول ۶ تفاوت محتوای وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی به چشم می‌خورد:

جدول ۶: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد محتوا

موجود	مطلوب اسلامی-ایرانی
اولویت دیپلماسی علمی	عمدتاً علوم مهندسی و پزشکی
	عمدتاً علوم دینی و علوم انسانی اسلامی، علوم پیشران و استراتژیک برای تحقق تمدن اسلامی
علم ترجمه‌ای	علم بومی و ترجمه معکوس
	توجه به علم حقیقی

۴-۸- ابزار و قالب

در حالت موجود دیپلماسی علمی، زبان غالب و مورد استفاده انگلیسی است که در کل دنیا و از جمله ایران استفاده می‌شود در صورتی که در حالت موجود زبان فارسی می‌بایست به زبان علم مبدل گردد. همچنین در بین روش‌ها و قالب‌های که برای دیپلماسی علمی استفاده می‌شود، در حالت مطلوب آن دسته که موجب ایجاد یا تقویت ائتلاف‌ها و قطب‌های علمی هدفمند (برای حل مسائل و نیازهای) جهان اسلام و جبهه مقاومت می‌شوند جایگاه ویژه‌ای



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

پیدا می‌کنند. در صورتی که در وضعیت فعلی ارتباط علمی چندانی بین کشورهای اسلامی وجود ندارد و کشورهای اسلامی بیشتر با کشورهای غربی تعاملات علمی می‌کنند و آن‌ها را الگوی خود می‌دانند. جدول ۷ نشان‌دهنده تفاوت وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی از حیث ابزار و قالب است:

جدول ۷: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد ابزار

مطلوب اسلامی-ایرانی	موجود	
تقویت ائتلاف‌ها و قطب‌های علمی هدفمند جهان اسلام و مقاومت	ائتلاف علمی با کشورهای غربی	ائتلاف علمی با...
زبان فارسی	زبان انگلیسی	زبان رایج

۵-۸- مخاطب

از حیث مخاطب، دیپلماسی علمی کنونی برای اقشار مختلف و اثرگذار مانند کودکان، نوجوانان، جوانان، دانشجویان و زنان تمرکز ویژه‌ای دارد که همین وضعیت برای حالت مطلوب آن نیز قابل ترسیم است. کشورهای عامل دیپلماسی علمی در شرایط فعلی اگر به کشورهای اسلامی روی آورده‌اند، یک دلیل آن کنترل رشد تروریسم (تهدیدمحور) در بین کشورهای اسلامی است. اما در حالت مطلوب باید با دید تمدن ساز (فرصت محور) به کشورهای اسلامی نگریسته شود. همچنین وضعیت موجود دیپلماسی علمی، از بین دسته‌های مسلمانان ارتباط با سکولارهای آنان را در اولویت قرار می‌دهد در صورتی که در حالت مطلوب اسلامی-ایرانی، ارتباط با مسلمانان اسلام‌گرا (حتی از اهل تسنن) اهمیت بسیار بیشتری دارد. دولت‌ها و جوامع اسلامی-از جمله در ایران- در شرایط کنونی بیشتر با کشورهای مستکبر و سرمایه‌دار ارتباط علمی دارند، در صورتی که در حالت مطلوب، ارتباط علمی بر اساس اهداف پیش‌گفته با مسلمانان و مستضعفان (ولو غیرمسلمان) - بر اساس تفاوتی که در درجه‌بندی دارند- اولویت می‌یابد. وضعیت مخاطب در حالت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در جدول ۸ مقایسه شده است:

جدول ۸: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد مخاطب

مطلوب اسلامی-ایرانی	موجود	
تأکید بر کودکان، نوجوانان و جوانان، دانشجویان، زنان	تأکید بر کودکان، نوجوانان و جوانان، دانشجویان، زنان	اقشار با اولویت
فرصت محور (رویکرد تمدنی)	تهدید محور (رویکرد تروریستی)	رویکرد به جهان اسلام



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

اولویت ارتباط در جهان اسلام	مسلمانان سکولار	مسلمانان اسلام‌گرا
اولویت ارتباط از حیث دولت‌ها و جوامع	مستکبران و سرمایه‌داران	مستضعفان و مسلمانان (بر اساس درجه‌بندی)

۶-۸- کنشگر

وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در شرطیت تخصص و صلاحیت علمی و اجرایی افراد مشترک‌اند، اما آنچه وضعیت مطلوب بیشتر دارد، شرطیت حسن فاعلی و تزکیه اخلاقی و نیت پاک و خالص افراد عامل است که اثرگذاری عمل را چندین برابر می‌کند، برای اعطای شی، کنشگر می‌بایست واجد آن باشد. همچنین تفاوت مهمی که وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در ایران دارد، ماهیت مجری آن است. در شرایط کنونی دیپلماسی علمی در ایران عمدتاً توسط دولت مدیریت و اجرا می‌شود، اما در حالت مطلوب، دیپلماسی علمی به‌صورت عمدتاً مردمی پیش می‌رود. جدول ۹ نشان‌دهنده مقایسه کنشگر و مجری دیپلماسی علمی در حالت موجود و مطلوب است:

جدول ۹: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب دیپلماسی علمی در بعد کنشگر

مطلوب اسلامی-ایرانی	موجود	
اهمیت تزکیه اخلاقی و نیت پاک و خالص (کنشگر واجد شی)	عدم شرط بودن حسن فاعلی	جایگاه تعهد
شرط بودن تخصص	شرط بودن تخصص	جایگاه تخصص
عمدتاً مردم	عمدتاً دولت	مجری (در ایران)



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۹- نتیجه گیری

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش یعنی «در الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی دیپلماسی علمی چگونه به افزایش قدرت نرم کشور می‌انجامد؟» شش بعد را می‌توان برشمرد و آن را از این حیث بررسی کرد: هدف، رویکرد، محتوا، ابراز، مخاطب و کنشگر. این شش بعد به ابعاد و حوزه‌های دیپلماسی علمی-که در بخش ۴ و ۵ به آن اشاره شد- قابل تسری است. بررسی و شناخت دیپلماسی علمی دیگر کشورها و نیز پژوهش‌های نظری منتشرشده در این حوزه از دو جهت در احصای ویژگی‌های الگوی مطلوب بومی مفید بود: اولاً طبق قاعده «تعرف الأشياء بأضدادها» از طریق شناخت وضعیت موجود و رایج در دنیا و نقد و بررسی آن می‌توان به نقاط ضعف و نقاط منفی با وضعیت بومی خود پی برد. و ثانیاً از تجارب مفید و صحیح آن‌ها بهره و الگو گرفت.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۰۰

سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸

الگوی مطلوب دیپلماسی علمی و ابعاد شش‌گانه آن را می‌توان به‌صورت یک منظومه ترسیم کرد، منظومه‌ای که هدف نهایی آن اقامه قسط و تزکیه مسلمانان و مردم جهان از طریق تحقق تمدن نوین اسلامی و سلطه حق بوده و سایر اجزای آن در ذیل این هدف کلی قرار می‌گیرند و عمل می‌کنند. به تعبیر دیگر دیپلماسی علمی مطلوب به‌عنوان یک عامل ایجاد تغییر در جوامع می‌بایست وظیفه خود را تحقق اهداف ذکرشده بداند. در این راستا وجود یک الگو و پرچم‌دار در تحقق این مهم لازم و ضروری است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این نقش را بر عهده بگیرد. ایجاد و تقویت ائتلاف‌ها و همکاری‌های علمی هدفمند و مسئله محور ناظر به نیازهای واقعی دنیای اسلام در راستای تحقق تمدن اسلامی اهمیت فراوانی دارد.

با توجه به اهمیت دیپلماسی علمی برای جمهوری اسلامی ایران و خلأیی که در ترسیم الگوی جامع بومی برای آن وجود دارد، محققان و پژوهشگران می‌توانند برای تکمیل این پژوهش در گام‌های بعدی بر احصای کامل‌تر ابعاد و مؤلفه‌های الگوی مطلوب اسلامی-ایرانی تمرکز کنند، به تبیین چستی بعد فرهنگی دیپلماسی علمی و چگونگی تحقق آن در قالب‌هایی مانند تهیه پیوست فرهنگی برای فعالیت‌های اجرایی موجود بپردازند، مطالعات تطبیقی مغفول مانده از دیدگاه این پژوهش را مورد بررسی قرار دهند و وضعیت فعلی دیپلماسی علمی در ایران را ترسیم و نقد و بررسی نمایند.

منابع

قرآن کریم

اسنو، نانسی؛ تیلور، فیلیپ ام (۱۳۹۰)، کتاب مرجع دیپلماسی عمومی (ترجمه روح‌اله طالبی آرائی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸(۲)، ۱۲۱-۱۴۲.

التیامی‌نیا، رضا؛ تقوایی‌نیا، علی (۱۳۹۵)، «تبیین نقش و جایگاه قدرت نرم در تحقق اهداف سیاست داخلی و خارجی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۳)، ۱۶۷-۱۹۶.

ایزدی، فؤاد (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
براتی، مسعود (۱۳۹۰)، بررسی مفهومی دیپلماسی علم و فناوری و ترسیم وضع موجود آن در جمهوری اسلامی ایران، [گزارش منتشرشده معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری].

تسلیمی، محمدسعید؛ نوروزی، خلیل؛ مخدومی، احمد؛ هاجری، مهدی (۱۳۹۶)، «ارائه چارچوب توسعه دیپلماسی علمی جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان و مسئولان علمی و دیپلماسی کشور»، راهبرد، ۸۳، ۱۶۵-۱۸۶.

جعفری‌هرندی، امیررضا (۱۳۹۵)، مدیریت نفوذ ایالات متحده در عراق جدید، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

خانی، محمدحسن؛ محمدی‌سیرت، حسین (۱۳۹۵)، «تاثیر ایدئولوژی بر منافع ملی و امنیت ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۶(۴)، ۹۱-۱۱۷.

درخشه، جلال؛ اسماعیلی‌کلیشمی، علیرضا (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷(۲)، ۲۷-۵۳.

درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۲(۴۸)، ۹-۴۶.

دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، «دیپلماسی آموزشی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۹۴، ۱-۴۲.

دهشیری، محمدرضا؛ طاهری، مهدی (۱۳۹۵)، «نقش و جایگاه آموزش عالی در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا: با تأکید بر عملکرد آن در قبال ایران»، علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۹۸-۹۱.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

راف، ویلیام ای (۱۳۹۵)، خط مقدم دیپلماسی عمومی آمریکا (ترجمه محمدصادق بیگلری)، تهران: گروه انتشارات بین‌المللی الهدی.

سجادپور، محمدکاظم؛ وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی نوین؛ چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی»، سیاست، ۴(۴۱)، ۷۷-۹۵.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ فاطمی صدر، امیر (۱۳۹۲)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۳(۴)، ۷۴-۴۹.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ نوری، حامد (۱۳۹۶)، دیپلماسی عمومی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

شیلر، هربرت (۱۹۷۶)، ارتباطات و سلطه فرهنگی (ترجمه کاظم معتمدنژاد) (۱۳۹۲)، تهران: مؤسسه نشر شهر.

صادقی، سیدصاحب و اسفندیاری، احمد (۱۳۹۲)، دیپلماسی فرهنگی آمریکا در خاورمیانه، تهران: انتشارات خبرگزاری فارس.

صنیع‌اجلال، مریم (۱۳۹۶)، «دیپلماسی علم و فناوری: راهبردی نو در توسعه کشورهای اسلامی»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲۳، ۱۹۳-۲۱۵.

فتاحی اردکانی، حسین؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ هرسیج، حسین (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل الگوی قدرت نرم در خاورمیانه: مطالعه موردی عربستان سعودی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۸(۱)، ۲۹-۶۲.

فرخی، میثم (۱۳۹۰)، «کاوشی نظری پیرامون پدیده جهانی‌شدن و امپریالیسم فرهنگی-رسانه‌ای: یکسان‌سازی و همگونی فرهنگی»، مطالعات رسانه‌ای، ۱۰(۲)، ۹-۲۴.

کولائی، الهه؛ عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۶)، «دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان»، سیاست، ۴(۴)، ۴۵-۱۰۶۴.

محسنی سهی، هدی سادات؛ محسنی سهی، فریبا سادات (۱۳۹۴)، «تأثیر دیپلماسی علم و فناوری بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۴(۱)، ۹۷-۱۱۶.

میرحسینی، سیدعبدالحمید؛ محمدی دوستدار، حسین (۱۳۹۴)، «ابعاد سیاسی-فرهنگی همکاری‌های علمی بین‌المللی در اسناد ملی علم و فناوری کشورهای منتخب»، مطالعات میان‌فرهنگی، ۲۷، ۴۵-۷۶.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم (ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، تهران: نشر نی.

نظری، علی‌اشرف؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۳)، «شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای عرب خاورمیانه با تأکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۰-۲۰۱۴»، پژوهش‌های سیاسی

جهان اسلام، ۴(۴)، ۱۶۳-۱۸۴.

ياسوشی، واتانابه؛ مک کانل، دیوید (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده (ترجمه سید محسن روحانی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Liu, Tony Tai-Ting (2018), Exporting culture: the Confucius Institute and China's smart power strategy, In The Routledge Handbook of Global Cultural Policy, New York: Routledge.

Science diplomacy for France (2013): www.france-science.org/IMG/pdf/science-diplomacy-for-france-2013.pdf

New frontiers in science diplomacy (2010): www.royalsociety.org/~media/Royal_Society_Content/policy/publications/2010/4294969468.pdf

www.en.Wikipedia.org

www.hziegler.com

www.qf.org.qa

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

کوهکن، محمدرضا؛ بشیر، حسن (۱۳۹۹)، «دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم: از تجارب جهانی تا الگوی بومی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۴، زمستان ۹۹، صص ۷۱-۱۰۳.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۰۳

دیپلماسی علمی به مثابه قدرت نرم